



Reflections of Women Empowerment in Allama Mohammad Iqbal's Thoughts

***Humaira Shahbaz**

**** Amber Yasmin**

Abstract:

The family, consisting of both men and women, is a key unit of society. The empowerment of each individual empowers the family, and consequently, empowerment is achieved at the national level. The internal actions of the family and the role of society empowers its individuals. Women, like men, have always played a critical, decisive, and fundamental role in the destiny of nations. This freedom of thought and action of women is discussed around the world. Some examined her teachings and hijab, and some limited her authority. What is important is to know the cultural and social environment of a society, what kind of empowerment and authority is necessary for a woman to lead a dignified, active, and productive life and to contribute to the intellectual and practical development of a society?

Allama Muhammad Iqbal, the great poet of the Eastern world, is familiar with the knowledge of the West. He believes in the importance of each person's role in the advancement of the nation. Allama Muhammad Iqbal had an in-depth look at the religious, social and cultural, livelihood, political, intellectual, and psychological issues of Indian women and provided clear guidelines for women's empowerment. For women, during social life, every role of a woman as a daughter, sister, wife, and especially as a mother, was of special importance. The purpose of this descriptive critical research is to understand Allama Muhammad Iqbal's thought and thought for social, political, intellectual, religious and economic empowerment in different stages of women's lives by reviewing Iqbal's poetic and prose works.

Keywords: Iqbal, Empowerment, Society, Politics, Economy, Women, Islam

"توانمندسازی بانوان در فکر و اندیشه علامه محمد اقبال"

* حمیرا شهباز

** امیر یاسمین

چکیده:

خانواده مشتمل بر افرادی چند، اعم مرد و زن، واحد کلیدی جامعه می باشد. توانمندی هر فرد، خانواده را توانمند می سازد و در نتیجه توانمندی اجتماعی یک ملت بدست می آید. اقدار داخلی خانواده و اقدار اجتماعی مروج در یک جامعه، افراد خود را توانمند می سازد. در قرون گذشته زنان همانند مردان نقش بنیادین در بهسازی جامعه داشتند. این آزادی فکر و عمل زنان از دیر باز در ادبیات جوامع مختلف جهان مورد بحث قرار داده شده است. تعدادی تعلیم و حجاب وی را مورد بررسی قرار دادند و بعضی اختیاراتش را محدود شمردند. مهم این است که از لحاظ محیط فرهنگی و اجتماعی یک جامعه، چه نوع توانمندی و اختیار برای یک زن لازم می باشد تا او یک زندگی پر وقار، فعال، و ثمربخش را بگذراند و به سهم خود در رشد فکری و عملی یک جامع بپردازد؟

علامه محمد اقبال، شاعر بزرگ جهان شرق، آشنا به دانش غرب کسی است که به اهمیت نقش هر فرد در پیشرفت ملت معتقد می باشد، مدام بزرگترین حامی بانوان و داعی مشکلات ایشان است. علامه محمد اقبال نگاه عمیقی به مسایل مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، معاشی، سیاسی، فکری و روانشناختی زنان هند داشت و برای توانمندسازی بانوان راهنمایی های صریح ارائه داده است. وی برای زنان، در طی زندگی اجتماعی هر نقش زن بصورت دختر، خواهر، همسر و بویژه از حیث مادر، دارای اهمیتی خاصی قابل بود. هدف از این تحقیق انتقادی توصیفی درک فکر و اندیشه علامه محمد اقبال برای توانمندسازی اجتماعی، سیای، فکری، مذهبی و اقتصادی در مراحل مختلف زندگی بانوان با اخذ مطالب از جمله آثار منظوم و منثور علامه محمد اقبال می باشد.

کلید واژه ها: اقبال، توانمند سازی، جامعه، سیاست، اقتصاد، بانوان، اسلام

*مریی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نومل، اسلام آباد، پاکستان hshahbaz@numl.edu.pk

**استادیار، دانشگاه نومل گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نومل، اسلام آباد، پاکستان

بیان مسئله:

توانمندسازی، نوعی مصون سازی در برابر مشکلاتی مربوط به روان اجتماعی است و پیشرفت زندگی را افزایش می دهد و در نتیجه آن وسایل مهارت‌های اجتماعی فراهم می گردد. (آرام، شریفیان، یزدانیور: 1398) تمام افراد جامعه، در پیشرفت ملت نقش دارند. مرد و زن در دایره کار خود وظایف خود را انجام می دهند. آزادی فکر عمل نیروی اصلی عملکرد انسان است و نام دیگر این اختیار و آزادی فکر و عمل توانمندسازی یک فرد است. زنان تقریباً بیش از نصف جمعیت جهانی هستند. فعالیت آنها تأثیر عمیقی در فعالیت نصف دیگر جمعیت جهان یعنی بر فعالیت مردان دارد. مهم است که این نقش بانوان بطور کامل شناخته و پرداخته شود.

پیشینه تحقیق:

آثار اقبال به سه زبان اردو، انگلیسی و فارسی به دست ما رسیده است و طبق ذکر زن، یک اثر پژوهشی به زبان اردو، در شعر علامه محمد اقبال 29 زن معروف کثیر الذکر از تاریخ جهان یا از قبیل خانوادگی اقبال ذکر شده، مانند: حضرت زهرا رضی الله تعالی عنها، فاطمه بنت خطاب رضی الله تعالی عنها، ام عمرو، امام بی بی، بیگم شهاب الدین، بیگم میان احمد یار دولتانه، شهزادگان تیموری، سفانه بنت حاتم، دیوتیما، زلیخا، سردار بیگم، شرف النساء بیگم، شیرین، قرآلعین طاهره، عطیه فیضی، فاطمه بنت عبدالله، ملکه وکتوریه و غیره. بیشتر از این زنان معروف در زمینه اجتماعی، سیاسی، فکری یا معاشی توانمند بودند. بعلاوه از آن 16 منظومه متفرق مربوط به مسائل بانوان در شعر اقبال شناخته شده است. در طی این مطالب شعر اقبال در مورد مسائلی مربوط به زنان چون، "آزادی نسوان"، "پرده"، "حجاب"، خطاب به مخدرات اسلام، "عورت اور تعلیم" (زن و آموزش و پرورش)، "عورت کی حفاظت" (حفظ زنان) و غیره نیز ذکر شده. (شهباز، 2018). اقبال، وجود زن و تصویر کائنات یک اثر اردوی دیگر، از مسائلی مربوط به زن بودن زن را از دیدگاه اقبال بحث می کند. (عنبرین: 2019) چند تا مقاله به زبان اردو، انگلیسی و فارسی در زمینه جایگاه زن از دیدگاه اقبال در دست داریم که به اهمیت حقوق و فرائض بانوان بحث می کنند، مانند: *سیمای زن در احوال آثار و افکار اقبال* (شهباز، 2015)، مقاله ای بعنوان، زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری (منش، بیات، 1383) و غیره. ولی هیچ انتشار تحقیقی در دریافت نشد که بخصوص به نحو توانمندسازی بانوان از لحاظ جهات مختلف توانمندسازی چون توانمندسازی سیاسی، عملی، فکری، مذهبی، معاشی، اجتماعی را از دیدگاه علامه محمد اقبال بحث کند. افکار اقبال در این زمینه در آثار منثور وی تقریباً مفقود البررسی است.

هدف:

این مقاله خواستار تعهد در زمینه توانمند سازی اجتماعی بانوان و استفاده از تمام توانایی های کشور برای ایجاد توسعه پایدار در راهنمایی فکری علامه محمد اقبال است. هدف پژوهش حاضر، توانمندسازی مجموعی زنان، با آوردن امثال از آثار منظوم و منثور علامه اقبال یک شاعر روشن فکر و انسان ساز است.

پرسشهای تحقیق:

- معلوم است که توانمندسازی بانوان اهمیت سزاوار دارد ولی در این مورد چند سوال مهم است:
- توانمندسازی و آزادی فکر و عمل بانوان چطور ممکن است؟
- آیا نیازها و عوامل توانمندسازی بانوان در تمام جوامع جهان مترادف است یا خیر؟

- دیدگاه اقبال برای حدود اختیار بانوان یک دیدگاه آفاقی است یا محلی می باشد؟
- اقبال کدام امثال از بانوان توانمند ساز از تاریخ جهان در آثار خود یاد کرده است و چرا؟

روش تحقیق:

در این بررسی تنقیدی از روش توصیفی استفاده شده است. مطالبی مربوط به موضوع مقاله از تمام آثار منثور و منظوم علامه محمد اقبال لاهوری را در نظر داشته مورد بحث قرار داده شده است. گردآوری اطلاعات بر مبنای منابع مورد مطالعه و اطلاعات به دست آمده با شیوه توصیفی انجام شده است.

محدودیت تحقیق:

این بررسی محدود به موضوع انواع توانمندسازی بانوان که در آثار منظوم و منثور فارسی اقبال ذکر شده محدود می باشد.

مقدمه:

توانمند سازی چیست؟

توانمند سازی اصطلاحی است که طی چند سال گذشته شهرت آفاقی یافته است به ویژه در کشور های جهان سوم این اصطلاح میان سازمان هایی که به افراد محروم و زنان ناتوان و ستم دیده کمک می کنند مقبولیت بیشتری پیدا کرد. یکی از هدف های این نوع سازمان ها پشتیبانی و خود آگاهی افراد محروم از حقوق خودشان است. نزد سازمان ملل متحد، توانمندسازی شامل این امور می باشد: احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم گیری، حق دسترسی به فرصت ها و مناسبات، حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه، قدرت تأثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظام عادلانه اقتصادی در محدود ملی و جهانی... (قربانی، 2014: 15) 52% جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند پس توانمند سازی زنان در جامعه نا فقط ضروری است بلکه ناگزیر است و می توانیم انواع توانمند سازی را ازین قرار رده بندی کنیم: توانمندسازی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری، مذهبی، فرهنگی و غیره.

اقبال و توانمندسازی بانوان

در جهان امروزی این امر کم پذیرفته می شود که پیشرفت جامعه بر اساس پیشرفت زنان آن کشور نیز می باشد و بر اساس آن، زنان خواستار هر گونه آزادی فکر و عمل نیز هستند. اگر به تاریخ ملل جهان نگاهی کنیم، زن همیشه از لحاظ مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، معاشی، سیاسی و روانشناختی فاقد اختیار بوده است حتی زنانی که در غرب زندگی می کردند، شاید خودشان را خوش بخت می شمردند که از مرد آزاد شده و حقوق تساوی در جامعه یافته و نسبت به زن شرق زمین آزاد هستند اما حقیقت امر این است که بیش از پیش محکوم و اسیر مردان بوده اند. در جوامع عرب قبل از اسلام وضعیت زنان ازین وخیم تر بود، اسلام، بهترین و طبیعی ترین طرز حیات را برای انسان تلقی می کند و یک نظام فکری برای حدود اختیار فکر و عمل هر کس بشمول زنان دارد.

اندیشمندانی چون شاعران، فیلسوفان از منابع اسلامی نشاط می گیرند. علامه محمد اقبال، شاعران بلند فکر شرق نیز از منابع دین فطرت، دین اسلام، یعنی قران و حدیث سرچشمه می گیرد. پس دیدگاه فکری اقبال یک دیدگاه فطری هم است. اقبال محیط و وضعیت واقعی بانوان در جوامع هند و اروپایی عصر خود را در نظر داشته در باره عوامل آزادی فکری عملی خواسته بانوان را در آثار منظوم و منثور

خود مورد بحث قرار داده است. کلام اقبال برای هر دوی، چه مرد و چه زن راهنما است. اما کلام اقبال پیام وی در احترام بانوان زنان است.

وضع توانمندی بانوان در عصر اقبال در شبه قاره

اقبال قایل به احترام خاصی برای زن بود و می خواست که زنان شبه قاره جایگاه اصلی خود را بشناسند. این یک مثال از عصر اقبال وضع توانمندی بانوان در شبه قاره را فاش می گوید. انجمن زنان مدراس همین مناسبت در 8 ژانویه 1929م سپاس نامه ای به اقبال تقدیم نمودند. در سپاسنامه دختران این انجمن استدعا داشتند اقبال کمی وقت خود را برای آنها وقف کند و برای آزادی شرعی آنها شعر بسراید تا وضع ناگفته، روشن و خفتگان بیدار شوند. بانوان گله داشتند که حتی نام آزادی برای بعضی خانوادگان معلوم نیست و بیشتر اوقات مردان، حقوق زنان را پایمال می کنند. ریشه بی انصافی با جنس مونث باعث رنج آنان بود. والدین بین پسر و دختر فوق می کنند و با این فرق آنان را پرورش می دهند. بعلاوه محرومی از خوراک، از حق ارث املاک نیز محروم بودند. دختر بیوه بسبب دفاع از شرف خانوادگی از دواج مجدد نکند و او محتاج برادران و عموها می شوند. آن دختران امید داشتند که در حال حاضر همه جا از آزادی زنان صحبت می شود، سپس آنان نیز حقوق شرعی و جایز خود که آزادی و مساوات است، می خواهند. آنان از اقبال انتظار داشتند در حق آنان سخن بسراید.

در پاسخ این تقدیرنامه اقبال مطالبی بدین مضمون ایراد نمود: در نظر اقبال زنان بهتر میتوانند سنت ها را حفظ نمایند. باوجود غفلت و عدم توجه مردان زنان خود وظیفه حفظ حقوق را انجام دادند. هر کس جایگاه مادر خویش یا محبت خواهرانشان در دل دارد. شوهران خوش بخت تاثیر یک همسران خوب و پارسا در زندگی خود بخوبی میشناسند. و در اسلام نیز مرد و زن مساوی هستند و طبق القرآن مرد ها از زنها قائم و قوام می باشند که معنای محافظت و استحکام می دهد.¹ و در قرآن آمده است مرد و زن بنای همدیگر مانند لباس که مقصود آن محفوظ نگهداشتن بدن است. مرد محافظ زن است. زنها دوشا دوش مردان به جهاد نیز پرداختند، در زمان خلفای عباسی به عنوان قاضی القضاات مشغول کار بود و فتوی صادر کرد. طبق اقبال الان این اقتضاء جامعه است که زنها در حکومت اسلامی هنگام انتخابات حق رای داشته باشند. زن و مرد نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. این فرایض باهم فرق دارند ولی هیچ معنی زن پائین تر و مرد بالا تر نیست. زن حق مالکیت جداگانه دارد. این حق در اسلام همیشه وجود داشته است. در اروپا طلاق گرفتن مشکل بود اما برای مسلمانان هرگز این امر اشکال وجود ندارد. هنگام عقد زن میتواند حق در مورد طلاق را به یکی از اقوام نزدیک خود بدهد تا با عقد موافقت کند. اگر به هنگام مراسم عقد زن از مرد بخواهد که اجازه ازدواج مجدد نداشته باشد، حق این کار را دارد. پدران باید حقوق دخترانشان را در نظر بگیرند. خود زنها باید بری حق خود از راه قانونی مطالبه کنند، اقبال تأسف خورد که در شبه قاره قوانین اسلامی اجراء نمی شود، تا این نوع مسائل با کمک شرع اسلامی حل شود. در وضعیت امروز باید دقت بیشتری در مسائل شرعی باشد. و آزادی بمعنی بی بند و بار شدن نیست. تنها نباید دنبال کلمه آزادی رفت. آزادی اروپا را اگر واقعاً مورد بررسی قرار دهیم مو بر تن مان راست خواهد شد. مهم این است از قید رسوم حق کشانه رها شویم. (صافیاری، 1989: 238-241)

1. اقبال و توانمندسازی اجتماعی بانوان

توانمندسازی اجتماعی به توانایی زنان و دختران برای اقدام فردی و جمعی است. این نوع توانمندسازی بانوان مهم است چرا که، زن مربی اصلاح و فساد جامعه است. اصلاح و فساد یک جامعه،

¹ - القرآن، سوره النساء - 24

از اصلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن توانمند یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان به تنها یک جامعه، بلکه جوامع به استقامت و ارزش‌های والای انسانی دست یابند و می‌تواند به عکس آن باشد. بی‌تردید سعادت هر جامعه، در گرو سعادت خانواده‌های آن است. خانواده، کانون پرورش نسل آینده است و زن در خانواده، مرکز اصلی مهر و عاطفه می‌باشد. کمبود عواطف در جامعه، زندگی افراد را خشک و بی‌روح می‌کند و نسل بعد را روز به روز از سعادت فردی و اجتماعی دور می‌سازد. زن، در یک خانواده شناخت‌های گوناگون دارد. اول او دختر است و خواهر، بعد ازدواج کرده زوجه و سپس برای فرزندان خود مادر می‌شود. سپس بر دوش او بار وظایف در هر مرحله زندگی است. به عنوان یک دختر، خواهر، زوجه و مادر. اگر یک زن این تمام نقش‌های اجتماعی خود را ایفا می‌کند شکی نیست که یک خانواده ایده‌آل و در نتیجه آن یک ملت ایده‌آل بوجود می‌آید.

1-1: توانمندسازی دختران: اول حیثیت زن در این جهان، دختر بودن است. توانمندسازی یک زن از این مقام آغاز می‌شود. بلکه باید گفت قبل از تولد یک دختر جایگاه او در جامعه مشخص می‌گردد. یک جامعه روشن فکر و انسان‌ساز تولد دختر را مبارک می‌داند و هیچ وقت او را از پسران کمتر نمی‌داند، همین اولین احساس است که او را اعتماد بالنفس می‌بخشد. نزد اقبال نیز، وجود یک دختر در خانواده باعث برکات لامحدود می‌باشد. (اقبال، 2006: 524-525). دختر با چنین احترام و یقین بر ذات خود بحیثیت یک فرد نافع پرورده می‌شود ولی مهم است که این دختر به نحو خوبی تعلیم و تربیت داده می‌شود که اقبال در این مورد توجه خاصی داشت.

در تاریخ 14 ژوئیه 1934م اقبال بعنوان رئیس انجمن حمایت اسلام در دفتر مرکز و دبیر افتخاری انجمن در سخنرانی خود توجه مسئولین امور را به سه امر مهم مبذول داشت. یکی از آن‌ها تحصیلات علمی دختران بود: "دوم اینکه برای تحصیلات دختران مسلمان، انجمن باید مواد درسی را خود انتخاب نماید و طبق آن مواد درسی اداره امتحان‌کننده از آنها امتحان بگیرد و خودش مدارک را میان دختران توزیع کند. کم‌کم همین اداره امتحان‌کننده بصورت دانشگاه آزاد زنان مسلمان در آید. مدرسه صنعتی برای دختران مسلمان قبلاً پیشنهاد شده است و ابسته به همین دانشگاه باشد." (اقبال، 2008: 602) در شعر اقبال این فکرش نیز روشن است که وی بر تحصیلات دختران چقدر تاکید کرده است. ولی البته اول تعلیمات اسلامی را برای زنان لازم می‌دانست و بعد دیگر علوم را فراگیرد. در ضرب کلیم اقبال فاش می‌گوید که اگر یک دختر از تعلیم دین دور باشد و تنها به علوم دنیایوی بپردازد، این گونه تعلیم زن را نازن می‌کند. تعلیم بدون تربیت، نزد اقبال هیچ وقعتی ندارد. اقبال هیچ وقت دختران را به خود نمائی تشویق نمی‌کند و همین مطلب را یک رباعی ارمغان حجاز نیز بیان می‌کند که، یک دختر مسلمان را کافری نمی‌زیید. (اقبال، 1376: 465)

یک دختر تعلیم و تربیت شده سنگ زیر بنای امت است و می‌تواند برای جامعه خود هر وظیفه‌ای که ممکن باشد انجام دهد، و مهم‌ترین مثال چنین دختر که اقبال در شعر خود آورد فاطمه بنت عبدالله است که در یازده سالگی در جنگ طرابلس در حین سقایی غازیان دین، شهید شد. اقبال او را می‌ستاید که یک هنگامه‌ای در تربیت تو خاموش است و یک قوم تازه در این آغوش می‌پرورد. (اقبال، 2007: 243-244) چنین دختران غیور و جسور در آینده برای قوم تازه، آغوش فراهم می‌آورند. در ادامه همین موضوع اقبال عقیده داشت که بانوی جامعه باید از حقوق و فرائض خود آگاهی و شعور کافی داشته باشد تا علیه نا برابری و بی‌عدالتی صدای بلند کند. این رتبه را فقط وی بعلمت علم می‌تواند بدست بیاورد. اگر

وی از ابزار های علم تجهیز شده است می تواند از حقوق خودش دفاع کند. بدین سبب اقبال علیه ازدواج صغر سنی بانوان بوده است چون اقبال معتقد است که دختران سیزده، چهارده یا پانزده ساله که رشد ذهنی آنها هنوز پایدار نیست، تحت ستم خانواده و نظام قدیم ارباب رعیتی و روایات قدیم آنها رایج در جامعه قربان می شوند. "در روز های اقبال، هنگامی "لابحة شارد" در هند در مورد ازدواج خردسال معرفی شد، نماینده خبرگزاری لاهور با وی صحبت کرد تا از نظر اقبال آگاه شود. در پاسخ آن اقبال گفت که این جنبه را هرگز نباید نادیده گرفت که یکی از معایب ازدواج صغر سنی این است که دختران هنوز کم سن هستند که مادر می شوند؛ در نتیجه آن فرزندی که از این طریق متولد می شوند ضعیف و منحنی هستند... انگار اقبال دور اندیش از معایب ازدواج کم سنی بخوبی آگاهی داشته و توجه به معنویت آن را به شرایط آن زمان دعوت می کند." (عنبرین، 2019، ص 87)

1-2: توانمندسازی ازواج: بعد از ازدواج این دختر پروان یافته، کانون عشق و محبت خانه شوهر خویش می باشد. مرد و زن لازم و ملزوم. لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی و برابر یهای آنها از لحاظ انسانیت است نه در تشابه حقوق. اقبال هیچ وقت بنام احیای حقوق انسانی زن، این امر لازم می داند که در یادمان باشد زن زن است و مرد مرد. لابد اقبال قایل به حفظ حرمت زنان است. زن توانمند حافظ شرف جامعه و پاسدار اعتبار خانواده است. او با مهر و عطف دل مرد خویش را گرم می کند و با پرورش فرزندان تندرست و با ایمان اساس دین و ملت را استوار می سازد. (صفیاری، 1989: 243) در نظر اقبال، زن توانمند زنده، سازنده و رزمنده است. اقبال زن توانمند را عروج انسانیت و مجری فرمان خلقت و نوازنده آهنگ هستی می داند و او معتقد است که هنوز جایگاه زن شناخته نشده است. (همان: 249)

مرد و زن وابسته یک دیگرند
کائنات شوق را صورت گردند!

زن نگه دارنده نارحیات
فطرت او لوح اسرار حیات

(اقبال، 1376: 308)

زن در حیث زوج حقوق ویژه در ضمن تعدد ازدواج، طلاق، وراثت دارد، و اقبال می خواست مردان طبق تعلیمات اسلام این حقوق را محفوظ نگهدارد. در یازدهم اکتبر 1936م اقبال در محله باروت خانه در عروسی محمد دین تاثیر و کریستابل جورج شرکت کرد. علی بخش و جاوید اقبال نیز همراه وی بودند. عقدنامه را اقبال خودش پیشنهاد کرد و تحریر کرده بود و دو ماده آن عقد نامه بسیار عجیب و دلچسب بود: بر مبنای اظهار و اقرار فوق و عقد مذکور، محمد دین تاثیر اعلام می دارد که تا وقتی که عقد وی با کریستابل جورج ادامه خواهد داشت، او نمی تواند با هیچ زن دیگری ازدواج کند،... بنابر اظهار و اعلام فوق و عقد مذکور، محمد دین تاثیر حق طلاق را طبق شرع اسلامی به کریستابل جورج وا گذار می کند." (صفیاری، 1987، ج 4، 125)

در ماه نوامبر 1936م نمایندگان ماهنامه "الحکیمه" در خدمت اقبال حاضر شدند. اقبال در مسئله جلوگیری از تولد چنین اظهار کرد: "شریعت اسلام در مسائل اجتماعی بشری منافع و مصلحت امت را از نظر دور نداشته است. و حل و تصفیه آن را به اهل علم واگذار کرده است که آنها با مقتضیات و اوضاع زمان آن را حل و فصل کنند. بنابر این اگر شهوات نفسانی مد نظر نباشد و نیاز حقیقی موجود باشد و طرفین نیز راضی باشد، تا آنجایی که علم مرا راهنمایی می کند، می توانم بگویم که "مسئله جلوگیری از حاملگی" شرعاً قابل اعراض نیست. از اصول شرعی اسلامی چنین به نظر می رسد که اگر زن مایل به

(زادولد) یا زاییدن فرزندی نباشد، هیچ شوهری نمی تواند او را مجبور به این کار کند. (صفیاری، 1987، ج4، 126)

در رابطه ازدواج قانونی زن و مرد در اسلام نیز نظرات اقبال جدید و نادر بود. در این رابطه در یک کتاب به زبان انگلیسی نوشته است: "یک زن مسلمان که وابسته به یک فرقه اسلامی مخصوص باشد، تنها با ازدواج با یک فرد مسلمان نمی تواند تابع قوانین فرقه او شود. و اگر به زن گفته شود باید در شخصیت شوهر جذب شود این نوع اکراه (ضمنی) خواهد بود که بر خلاف قانون اسلامی است. زیرا این عمل خلاف دستور قرآن مجید است که می فرماید: "لا اکره فی الدین". اگر یک زن یهودی یا مسیحی با یک مرد مسلمان ازدواج کند (که شرعا جایز است) طبق قانون اسلامی فقط بخاطر اینکه به عقد او در آمده نمی تواند تابع قوانین مذهبی شوی خود شود. (صفیاری، 1987، ج4، 251)

اقبال در زمان سومین میزگرد لندن (1932م) در یکی از سخنرانی بعنوان "مقام زن در شرق" که در روزنامه "لیورپول پست" نیز منتشر نموده است. او گفت دین اسلام تعدد ازواج را جایز قرار داده، اما نباید اینرا وظیفه شمرد. طبق قوانین اسلامی زن می تواند از اموال خود نگهداری کند. برای یک شوهر مسلمان لازم است که مهریه همسر خود را طبق مطالبه او بپردازد و از کفالت هم کند. همانند یک شوهر مسلمان زن نیز حق طلاق دارد و می تواند خواستار جدائی باشد. (صفیاری، 1989: 242-243)

3-1: توانمندسازی مادران: بازر ترین وظیفه یک زن ازدواج کرده، مادری است. مسئولیت مادری که متناسب با ساختمان جسم و روح وی می باشد. یک جایگاه مقدس است و مربوط شرایط نمی باشد. هیچ مقام نمی تواند جایگزین این گردد. مسئولیت مادری را معمولاً بیش از هر انسان دیگری خود مادر می تواند به بهترین وجه انجام دهد. (همان: 237) اقبال امومت را رحمت و صورتگر سیرت اقوام می داند. در نظر اقبال یک مادر توانمند گرمی رفتار حیات و کشف اسرار حیات است. (اقبال، 1376: 101) تربیت اخلاق و آداب فرزندان بیشتر از دایره کار مادران است چون در برابر پدر مادر بیشتر به فرزندان تماس دارند. لذا تأثیر پذیری فرزندان از مادران بطور قطع بیشتر خواهد بود. اقبال می گوید:

سیرت فرزندانها از امهات جوهر صدق و صفا از امهات

(اقبال، 1376: 103)

در فکر اقبال آن زن توانمند است که در تربیت فرزندان اختیار فکر و عمل داشته باشد. فقط یک زن توانمند می تواند فرزندان رشید و دلیر و سخت کوش به جامعه تحویل دهد. اقبال نیرو قدرت ملت و جامعه و دین را متفرع مادران سالم و صالح می داند که تحصیل کرده و تربیت شده باشد چون اولین معلم انسان ها هستند. اقبال می گوید:

جهان را محکمی از امهات است نهاد شان امین ممکنات است

اگر این نکته را قومی نداند نظام کار و بارش بی ثبات است

(اقبال، 1376: 465-466)

اقبال امومت را تقدیر ملت می داند و سهم مادران در تعمیر ملت را مهم تر از هر چیز دیگر می داند و می گوید:

از امومت پخته تر تعمیر ما در خط سیمای او تقدیر ما

(اقبال، 1376: 101)

2. اقبال و توانمندسازی سیاسی بانوان

سیاست بنا کردن اصول و ضوابط در نحو استفاده از امکانات میسر برای حل مسائل در نفع عامه مردم در یک جامعه است. یک جامعه متشکل بر مرد و زن داری سیاست گزار می توانی و متقاضی برای و با مشارکت هر دو مرد و زن باید باشد. مشارکت سیاسی به عنوان یک هدف تعمیم کننده نیازهای اولیه زنان است. با مشارکت سیاسی می توان به اهداف شخصی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رسید و چنین توانمندسازی به زنان خودباوری و رهایی از وابستگی میدهد. (خسروی، 1386: 108) مهمترین عضو نظام جهانی، نظام سیاسی است. هدف توانمندی بهره‌برداران مفید از قابلیت‌های انسانی در راه ایجاد محیط مناسب از نظر سیاسی برای حال و آینده است و چنین توانمندی بدون مشارکت سیاسی انسانها چه زن و چه مرد به اهداف خود دست پیدا نخواهد کرد.

اقبال حقوق سیاسی زنان را نیز همیشه در نظر داشت. وقتی در مارس 1933م دولت انگلستان پیش نویس قانون آینده هندوستان را بصورت اطلاعیه ای منتشر ساخت، تمام سیاستمداران هندوستان به این مسئله انتقاد کردند. اقبال نیز ضمن تفسیری در این باره، بیانیه ای در 20 مارس 1933م منتشر نموده و یک نکته از آن نکات که درباره حقوق سیاسی زنان بود مورد انتقاد کرد: "در پارلمان فدرال 9 (نه) کرسی به خانمها داده شده است. در گروه های انتخاباتی، کسانی که به این خانمها رای خواهند داد، اکثریت غیر مسلمان خواهند بود. به همین خاطر انتخاب شدن یک خانم مسلمان نیز ممکن بنظر نمی رسد." (صفیاری، 1987، ج4، 30)

نگرش واقعی اقبال این بود که تا وقتی که زنان دوش به دوش مردان در پیشرفت جامعه کار نمی کنند یک جامعه نمی تواند در معنای اصلی پیشرفت کند. دکتر بصیره عنبرین در کتابش بعنوان اقبال - وجود زن و تصویر کائنات می نویسد که در خود حیات اقبال چنین حوادثی رخ داده است که از آن معلوم کی شود که اقبال زن را بعنوان یک فرد به رسمیت شناخته است. در سال 1931 م هنگامی که شورشهای هندو - مسلمان در مناطق مختلف هند آغاز شد و در نتیجه مسلمانان متحمل خسارات شدند (به ویژه در سانحه کانپور) بنا بر این اقبال و رهبران دیگر در 14 ژوئیه 1931 در روزنامه ها از مردان و همچنین از زنان درخواست کمک های مالی کردند... برای موفق ساختن این نهضت تصمیم گرفته شد که زنان مسلمان تحصیل کرده از هر منطقه باید این جنبش را در میان خواهران خود گسترش دهند و در این کار نیکویی خوب شرکت کنند و بیداری اش را نشان دهند." (بصیره، 2019، ص53) پس اقبال برای توانمند سازی بانوان، بیداری سیاسی آنها را لازم می گرداند اما توصیه می کند که بانوی مسلمان شئونات اسلامی را فراموش نکند. اقبال می گوید که زن مسلمان باید با نگهداشتن حجاب اسلامی برای رشد و تربیت جامعه بکوشد. "وی دختران ملت را دعوت می کند که تقدیر سازی ملت کرده شب الم ملت را با صبح بهار عوض کنند و فیض قرآن را در خانه ها روشن سازند چون همشیره حضرت عمر (رض) از قرآن خوانی خود تقدیر شان را تغییر کرده، از لحن و لهجه اش در قلبش سوز و گدازی بوجود آورد." (ندوی، 1988: 285)

3. اقبال و توانمندسازی قانونی بانوان

اقبال جهل، ضعف نظام و عدم اجرای قانون را ضد پیشرفت و مانع توانمند سازی بانوان می گرداند. به نظرش نظام فرسوده، عدم اجرای قانون در سیستم چون اقبال خودش شاهد اینگونه اوضاع بوده است، در زمان وی وضعیت زنان شبه قاره خوب نبود بویژه زنان پنجاب از دست شوهران نا مطلوب مایل به خلاص شدن از آنها بودند. درباره همین نظام، اقبال عقیده داشت که قضات هندی آنچه دادگستری استاندارد گفته می شود نمی توانند پایبند بمانند. اقبال این نوع نظام را مانع پیشرفت کشور می داند. تا

وقتی که نظام قدیمیکه مبنی بر روایات کهنه فرسوده است، عوض نمی شود جامعه نمی تواند پیشرفت کند. دیدگاه اقبال این بود تا وقتی که یک جامعه قدر و منزلت بانوان را نمی شناسد حیات ملی به تکمیل خود نمی رسد پس برای پرورش اهل و عیال مساوات لازم است و برای توانمندی سازی بانوان برابری در سه چیز ناگزیر است: در طلاق، در جدایی و در ارث. " (نیازی، 2012: 236) پس اقبال عقیده دارد که تا وقتی که نظام فرسوده بر طرف و اجرای قانون در جامعه محکم نمی شود بانوان نمی توانند از لحاظ اجتماعی و فرهنگی توانا شوند.

4. اقبال و توانمندی سازی فرهنگی

4-1: زن و مسئله حجاب: علامه اقبال بشدت قائل به پوشش بود. در زمان وی همه به پرده و حجاب احترام می ورزیدند و برای خانمها لازم بود که هر وقتی که برون خانه بروند در برقع باشند. اقبال برای اهل خانواده خویش پرده را لازم می دانست. او به هیچ وقت سردار بیگم (زوجه اقبال) را به هیچ مجلس مختلط با خود نمی برد. یک بار سر شهاب الدین وی را به دعوت خواند. بیگمات نیز مدعو بودند. وقتی همه مهمانان برای خورد و نوش نشستند میزبان از اقبال پرسید "مگر خانم را با خود نیاوردید؟" اقبال پاسخ داد "وی زن پرده دار است و در مجلسهای مخلوط شرکت نمی کند." آنوقت خانم شهاب الدین گفت: "اگر شما خانم را با خودتان می آوردید ما اتاق علیحده برایشان انتظام می کردیم. اقبال جواب داد: "این اصلا ممکن نیست. اول او خودش دوست نمی دارد که در اینگونه مجلس شرکت کند و دوم من هم به او اجازت نخواهم داد." همین طور یک دفعه اقبال به عنوان نماینده دولت انتخاب شد برای کشور دیگر. وایسرای (viceroy) هند به نفس نفس به اقبال خواهش کرد که آنجا برود. وقتی بر اقبال این امر روشن شد که آنجا در مجلسهای دولتی خانمها نیز شرکت دارند، اقبال از این عهده معذرت خواست و فاش گفت: "خانم من پرده دار است و این هیچ طور ممکن نیست که من بروم." (صوفی، 2003: 17)

هر چند علامه محمد اقبال تحصیل کرده مغرب بود ولی اقدار اسلامی را هیچ وقت فراموش نکرد. ولی باید دانست که او هیچ وقت انتها پسند نبود. چون وقتی برادر اقبال شیخ عطا محمد برقی برای منیره بانو فرستاد آنوقت منیره بانو تنها هشت ساله بود و خانم دوس احمد خیلی ناراحت شد چطور این دختر کوچک پرده دارد. آنوقت اقبال به خانم دوس احمد گفت این پرده و حجاب جزو فرهنگ ماست. البته منیره حق دارد چون بزرگ شود برای خود هرچه بپسندد آزاد هست. (اقبال، 2008: 678) البته اقبال هیچ وقت دخترانی را دوست نمی داشت که دختران لباس کوتاه بپوشند. چون نزد وی ردای زن پرده ناموس تمام ملت است.

ای ردایت پرده ناموس ما تاب تو سرمایه فانوس ما

(اقبال، 1376: 104)

در مورد حجاب احکام اسلام بر اقبال روشن بود. وی در آثار منظوم خویش این مسئله پرده و حجاب زن را مورد انتقاد گرفته است. او به زبان طنز می گوید امروزها برای زنان پرده لازم نیست. چرا که مرد این روزگار نیز زن شده پس از چه کسی باید پرده کرد. اقبال در بانگ دریا به زبان اردو می گوید: ترجمه: شیخ صاحب نیز حامی پرده نیست، پسران دانشکده بدون علت از او ناراحت شدند، او (شیخ) دیروز در وعظ فاش گفته است، پرده از چه کسی باید کرد چون مرد هم دیگر زن شده است (اقبال، 2007: 315) اقبال بانوان را به ردایل وادار می کند که و بانوان باید در دنبال توانمندی فکر و عمل خود از پیروی فرهنگ اغیار حذر کنند. او در ارمغان حجاز می فرماید:

ضمیر عصر حاضر بی نقاب است گشادش در نمود رنگ و آب است

جهانتابی ز نور حق بیاموز که او با صد تجلی در حجاب است

(اقبال، 1376: 465)

4-2: آزادی نسوان و توانمندسازی بانوان: اقبال بی خبری جهان شرق و زندگی بیچاره آنها را درک می کرد بار سنگین تمدن مغرب را بر روح انسان را خوب می شناخت. وی فاش می گفت افرنگوار آزادی با روحیه اصیل زن مطابقت ناسازگار است. (صفیاری، 1989: 230) در *جاویدنامه* اقبال از زبان احمد شاه ابدالی مشرق را تنبیه کند که از مغرب چه باید تقلید نماید و از چه ها احتراز کند:

قوت مغرب از چنگ و رباب نی ز رقص دختران بی حجاب

نی ز سحر ساحران لاله روست نی ز عریان ساق ونی از قطع پوست

حکمت از قطع و برید جامه نیست مانع علم و هنر عامه نیست

(اقبال، 1376: 369)

اشتباه اصلی شرقیان همین است که آنان ظاهراً فرنگ را پذیرفته اند ولی وجه اصلی پیشرفت آنان را که علوم و هنر است نمی شناسند و در این تقلید کورکورانه زن از همه بیشتر تحت تاثیر گرفته است مرد هم زن را به جایگاه اصلی او نمی گذارد و زنان هم به آزادی نسوان که مغربیان به آنان گول داده اند، طلبگار هستند. و وجه اصلی تمام این خرابی مرد است نه زن چنانکه اقبال می گوید، قانون طبیعت را نمی شود با ظواهر تمدن فریب داد. مقام اصلی زن همان است که بوده و با سفسطه ها و استدلالات پوچ نمی شود او را عوض کرد. این قطعه زیر بعنوان "عورت" از ضرب کلیم وجود زن در نظر اقبال در این جهان را به نحو کمال بیان کرده است: ترجمه: وجود زن باعث رنگینی تصویر این کائنات می باشد، و سوز درون حیات از ساز زن است، مقام زن از ثریا برتر است، چون شرف ایک کائنات در درج مکنون وی می باشد؛ گرچه زن راقم مکالماتی چون افلاطون نیست، ولی شرار افلاطون از شعله زن نشات گرفت (اقبال، 2007: 606)

در *جاوید نامه* در سفر فلک مریخ اقبال زنان غربی را که به فرائض امومت و مادری را ترک می کنند، بسختی سرزنش می کند. در 18 نوامبر 1931م دوران مسافرتهای برای شرکت در کنفرانس میز گرد اقبال برای یک روز کمبریج رفت و آنجا در یک مهمانی که آنجا اساتید دانشگاه شرکت داشتند، بیاناتی ایراد کرد و گفت: "چند روز قبل در یک اجتماع بزرگ خانمها، از من خواسته شد که به آنها نصیحتی کنم، به آنها گفتم، بزرگترین و محکمترین وظیفه زنهای انگلیسی این است که نسل آینده را از چنگال الحاد و مادیت پرستی نجات دهند." (صفیاری، 1987، ج4: 307) پس پیام اقبال تنها برای زن مشرق نیست بلکه وی زنان مغرب را نیز نصیحت می کند. روزی در نامه ای که به آقای خان نیاز الدین خان نوشت از تهذیب مغرب را انتقاد کرد و نوشت: "کبوتر های شما خیلی خوب اند ولی متأسفانه تحت تاثیر تهذیب فرنگی معلوم می شوند. مقصود من این است که از پرورش بچه های خویش بی نیاز هستند." (اقبال، 1986: 58) اقبال تهذیب فرنگی را "حکمت فرعونی" می نامد. در اثر منظوم خویش بعنوان "پس چه باید کرد ای اقوام مشرق؟ در شعری تحت عنوان "حکمت فرعونی" دختران و نوجوانان ملت را که دلباخته تهذیب فرنگی هستند این چنین یاد می کند:

دختران او بزلف خود اسیر شوخ چشم و خود نما و خرده گیر

ساخته، پرداخته، دل باخته ابروان مثل دو تیغ آخته

ساعد سیمین شان عیش نظر سینه ی ماهی بموج اندر نگر

ملتی خاکستر او بی شرر صبح او از شام او تاریک تر

(اقبال، 1376: 393)

اقبال اروپا رفت و بعنوان یک فیلسوف در اروپا تجلی کرد و مکتبهای فلسفی اروپا را شناخت. اما تسلیم غرب نشد، غرب را تسخیر کرد. (شریعتی، 1357: 36) همین روش اقبال از جوانان چه دختر و چه پسر می خواهد که باید با یک اندیشه انتقادی و یک قدرت انتخاب زندگی کنند.

5. اقبال و توانمند سازی مذهبی بانوان

احکامات قرآن با طبیعت هماهنگی کامل دارد. در اسلام هیچ فرق بین زن و مرد نیست. اقبال نیز همین افکار اسلامی در مورد زن، در شعر و نثر خود ابراز نموده است که در هر نوع توانمندی بانوان تلقی میکند.

6. اقبال و توانمند سازی فکری بانوان

رشد فکری و تربیت ذهنی بانوان بسیار لازم است. محیط آرامش به ایشان اعتماد می دهد که از حقوق خود دفاع کنند. این احساس آرامش نا فقط از راه آموزش به روحیه وی وارد می شود بلکه احساس امنیت و همکاری و حمایت معنوی شریک زندگی وی نیز روحیه اش را تقویت می کند. بانوی با سواد از راه تحصیل وضعیت خانواده را می تواند بهتر بسازد. اما در مقابل آن زنانی که بی سواد اند یا تحصیلاتی عالی ندارند ولی اگر از طرف اعضای خانواده حمایت فکری دارند می توانند مهارت های آموزش فنی یا حرفه ای داشته باشند تا نا فقط وضعیت اقتصادی ایشان بهتر بشود بلکه از لحاظ فکری توانمند شوند.

اقبال پیشرفت جامعه را در بانوان با سواد و خود مختار می بیند. در بیان وی در حقیقت، مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح و اخلاق و رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می کند. به عقیده او این گونه تعبیر ها به معنای حذف استقلال ابراز بماند، چون انسان متکامل دارای شئون گوناگون است و نشانه کمال در چهره و وظایف محوله ظهور می نماید و کمال زن در سیمای سمت های یاد شده متبلور است. "(رزایی، افروشته، فرد، 1396: ش: 370) اقبال نیز معتقد است که در جامعه اجتماعی جایگاه زنان و مردان همسان و مساوی است. وی برای بیداری فکری زنان کوشیده است پس در یکی از سخنرانی های خود خطاب به زنان می گوید: "شما باید با قاطعیت برای گرفتن حقوق خود بکوشید... آن حقی را که زن با انصاف و عقل می تواند هر وقت که دلش خواهد طبق قرآن مطالبه کند" (جاوید، 1372: ش: 1: 866) بنظر اقبال اگر زن از لحاظ ذهنی و فکری آسوده خاطر نیست تا آنوقت پیشرفت جامعه ممکن نیست. دیدگاه وی این است که مرد و زن باید با آرامش روحی و همکاری برای پیشرفت جامعه کار کنند. چنانچه می فرماید:

مرد و زن وابسته یکدیگر اند	کائنات شوق را صورت گرند!
زن نگه دارنده نار حیات	فطرت او لوح اسرار حیات
در ضمیرش ممکنات زندگی	از تب و تابش ثبات زندگی
ارج ما از ارجمندی های او	ما همه از نقشبندی های او

(اقبال، 1376: 309)

7. اقبال و توانمند سازی اقتصادی بانوان

توانمندی مالی و اقتصادی برای زنان هم ضروری است. اگر یک زن از لحاظ مالی توانمند است نا فقط خانواده اش مرفه و خوشحال می باشد بلکه موفقیت مالی وی در پیشرفت جامعه هم نقش ویژه ای داشته باشد. عماد خلیلی در مقاله خود بعنوان "توانمند سازی اقتصادی زنان" این دیدگاه را ارائه داده

است که توانمندی اقتصادی بانوان با پیشرفت جامعه مربوط است پس وی چنین می نویسد: "مشارکت زنان در جامعه نه تنها جزء حقوق اجتماعی آنان است بلکه روحیه اعتماد به نفس و خودباوری را در آنان افزایش داده و آنان را توانمند بار می آورد. توانمندسازی اقتصادی زنان یکی از آرمانهای توسعه پایدار ملل در هزاره سوم به شمار می آید. زنان به عنوان افرادی از جامعه دارای توانایی هایی هستند که اگر در یک جامعه در پی بهره بردن از توانایی های خویش باشند بستر مناسب برای حضور این قشر در جامعه به وجود می آید" (خلیلی، 1394: 8).

اسلام اولین دینی است که بانوان را از حیث مادر، خواهر، همسر و دختر مقام والای بخشیده است و بار مسوولیت آنها را بر دوش مردان گذاشته است: ترجمه: "برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکانشان به جای گذارند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و و نزدیکانشان به جای گذارند بهره ای است. از آنچه اندک باشد یا بسیار، بهره ای معین یا واجب" (القرآن، آیه 7، سوره النساء) به نظر اقبال اسلام با بخشیدن حقوق عقد و وراثت به زنان میان پسران و دختران هیچ فرقی نگذاشته است. وی در کتابش بعنوان *تشکیل جدید البیئات اسلامیة* می نویسد: "در شریعه اسلامی عقد مرد و زن ارزش عقد اجتماعی دارد. هنگام عقد زن این اختیار دارد که حق طلاق شوهر را در شرایط خاص پیش خود داشته باشد؛ بدین طریق در امر طلاق میان مرد و زن مساوات برقرار می شود... همچنین ادانگی مهریه منوجل و غیر منوجل به اختیار زن گذاشته است؛ نیز مسوولیت کفالت زن را به مرد واگذار کرده است و بدین طریق بانوان را از حیث معاشی در جامع توانمند ساخته است." (نیازی، 2012: 245)

7-1: نقش زنان در آبادانی ملت: توانمندی اقتصادی در توانایی زنان در رفاه خانواده نقش اساسی دارد. هنگامی که زنان به اهداف اقتصادی خود پی می برند، مقاومت بیشتری دارند و می توانند هزینه های زندگی خود و خانواده خود را تأمین کنند. علامه اقبال نیز در اولین اثر خود که *نثر اردو علم الاقتصاد* درباره تنظیم خانواده می نویسد که انسان در معرض خطر فقر است. فقر سرآغاز تمام بدبختی های انسان است، اگر این مرض را علاج کنیم دنیا جنت است. جلوگیری از ازدواج های ایام کودکی لازم است. مسوولیت حذر از اسراف و دقت در خرج بیشتر بعهده زن است. (صفیاری، 1989: 235)

عوامل ناتوانمندسازی زنان

اقبال داعی بزرگ تساوی حقوق بانوان است. وی شاعری و فیلسوفی است که مقام والای زنان را نا فقط شناخته است بلکه برای در شعر خود چهره حقیقی زن مسلمان را طوری تعریف نموده که وی سزاوار اوست. همچنین اقبال در لا به لای کلام خود به ویژه در نثر عواملی را مطرح نموده است که باعث بدبختی زنان در جامعه اند. عواملی که بنظر اقبال ضد پیشرفت و مانع توانمندی زنان در جامعه اند از این قرار می باشند: بی سوادگی، بی خبری از حقوق خود، ازدواج کمسنی، نظام فرسوده دولت و عدم اجرای قانون، بی عدالتی و عدم مساوات در حقوق وراثت، نظام ارباب رعیتی و روایات قدیم و غیره.

نتیجه گیری:

سفارشات اقبال برای توانمندسازی بانوان:

- نا فقط نظام قدیمی قضات باید عوض شود بلکه در جامعه مسلمان طبق شریعه اسلامی باشد که در آن میان نظر اقبال مرد و زن جایگاه مساوی دارند.
- توانمندسازی فکری بانوان از طریق از آموزش و پرورش آنان ممکن است.

- نیازها و عوامل توانمندسازی بانوان در تمام جوامع جهان مترادف است نیست. هر جامع اقدار داخلی دیدگاه فرهنگ و مذهب را در نظر داشته، باید عواملی فراهم آورد تا بانوان آن جامعه توانمند باشند و سهم خود در بهبود فرد و جامعه ببردارند.
- دیدگاه اقبال برای حدود اختیار بانوان یک دیدگاه اسلامی است. و اسلام بالقوه یک دین آفاقی می باشد که طبق نیاز طبیعی انسان و بویژه بانوان راهنمایی می کند.

سفارشات اقبال برای بانوان توانمند:

- بانوی توانمند که آزادی فکر و عمل دارد باید به فکر و عمل پردازد.
- باید از حیث دختر تحصیلات عالی بویژه تحصیلات دینی بدست بیاورد تا حقوق و فرائض خود را خویتر بشناسد.
- باید از حیث زوج، یک همسر خوبی، هم دل و هم فکر شوهر باشد.
- از لحاظ مادر بودن اولین فریضه او پرورش و تربیت خوبی فرزندان اوست.
- اگر یک زن توانمند تمام نقش های خانگی خود را خوب ایفا می کند، می تواند در حدود فرهنگی طبق خود استعداد خود به آبادنی و پیشرفت ملت پردازد.

منابع و مأخذ:

- ##- اقبال، جاوید، (1372ش)، *زنگی و افکار علامه اقبال لاهوری*، ج1، مترجم، شهیندخت مقدم (صفیاری) چاپ دوم، نشر استان قدس رضوی، مشهد.
- ##- اقبال، جاوید (2008)، *زنده رود*، اقبال اکادمی، پاکستان
- ##- اقبال، علامه محمد، (2006ء) *کلیات باقیات شعر اقبال*، مرتبه دکتر صابر کلوری، اقبال اکادمی پاکستان، لاهور
- ##- اقبال، علامه محمد، (2007ء)، *کلیات اقبال (اردو)*، اقبال اکادمی پاکستان، لاهور
- ##- اقبال، محمد، (1986) *مکاتیب اقبال بنام خان نیاز الدین خان*، اقبال اکادمی پاکستان.
- ##- اقبال، محمد، (1990م) *کلیات اقبال فارسی*، انتشارات شیخ غلام علی ایند سنز، لاهور، پاکستان.
- ##- آرام، عزت الله سام؛ شریفیان، اکیر؛ یزدانیور، فاطمه، *طراحی و آزمون الگوی توانمندسازی اجتماعی: زنان مصرف کننده مواد مخدر (محلۀ فوتبال اراک)*، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره اول، بهار، 1398. - <http://ensani.ir/fa/article>، بررسی شدا بتاریخ 15 ژوئیه 2021م.
- ##- خسروی، محمدعلی؛ دهشار، حسین؛ ابطحی، صفی ناز سادات، (1391) مقاله: *چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم گیری سیاسی در ساختار تصمیم گیری ملی و بین المللی*، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین المللی، شماره 20، http://prb.iauctb.ac.ir/article_524304.html، بررسی شده بتاریخ 15 ژوئیه 2021 م.

- ##- خسروی، ملک تاج. (1386ش) مشارکت سیاسی زنان و توسعه سیاسی". فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل. سال اول. شماره 4.
- ##- خلیلی، عماد، (1394)، مقاله، *توانمندسازی اقتصادی زنان*. نیشاپور، کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن 21، <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=50912>، بررسی شد بتاريخ 15 ژوئیه 2021م.
- ##- شریعتی، شهید علی، (1357)، *ما و اقبال*، نشر حسینیه ارشاد.
- ##- شهباز حمیرا، (2015)، مقاله: *سیمای زن در احوال آثار و افکار اقبال*، مجله دانش، شماره 112-113، ص؟-
- ##- شهباز حمیرا، (2918)، ذکر زن، دانشگاه نومل، اسلام آباد
- ##- صفیاری، شهین دخت مقدم، (1989)، *نگاهی به اقبال*، اکادمی اقبال پاکستان
- ##- صوفی، خالد نظیر، (2003)، *اقبال درون خانه*، اقبال اکادمی، پاکستان
- ##- عالم، عبدالرحمن. (1385ش) *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*: نشر پژوهشکده مرکز مطالعات وزارت امور خارجه، تهران.
- ##- عنبرین، بصیره، 2019م، اقبال. وجود زن و تصویر کائنات، انتشارات دارالانوار، لاهور.
- ##- قربانی، ساناز، دوشنبه 9 تیر 1393، روزنامه اندیشه، "توانمند سازی زنان یک ضرورت در توسعه پایدار"، شماره 18، <http://www.cenesta.org/wp-content/uploads/2016/05/publication-Taadol-Risk-assessment-of-GMOs-2014-fa.pdf>، بررسی شد بتاريخ 15 ژوئیه 2021م.
- ##- معمار حرم (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی بزرگداشت علامه اقبال لاهوری- اقبال و دنیای ما) به کوشش دکتر مریم خلیلی جهان تیغ، 1396 ش، عنوان مقاله: "مزیت ممتاز زن از منظر اقبال لاهوری (با تکیه بر بیٹی به زبان اردو از وی)" از امیر رزایی، امیر حمزه سالار، افروشته جمیل، فرد، زهرا گلستان، چاپ دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان
- ##- منش، وفا یزدان؛ بیات، علی، (1383)، مقاله: *زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری*، نشریه: پژوهش زبان های خارجی، زمستان شماره 22، ایران.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=19919>، بررسی شد بتاريخ 14 ژوئیه 2021م.
- ##- ندوی، سید ابوالحسن علی، مولانا: مترجم (مولوی شمس تبریز خان) 1988م، نقوش اقبال، انتشارات مجلس نشریات اسلام، کراچی

##- نیازی ، سید نذیر، 2012 ، تشکیل جدید الھیات اسلامیہ ، انتشارات بزم اقبال ، لاہور

##- القرآن ، ترجمہ حضرت آیت اللہ مشکینی، (1389ش) انتشارات بزرگ قرآن کریم (اسوہ)، قم